



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۵/۱۰

نویسنده پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

جنگ های بی پایان راه حلی برای طولانی ترین جنگ امریکا میکانیزم جدید برای صلح دوامدار جهانی نقش کرونا - ۱۹ قسمت هفتم

پوهاند متقاعد و لکچرر خاص
پوهنتون کولمبیا، پوهنځی دکتوران طب و جراحان
نیویورک

فصل دوم

نیرو های ائتلاف بین المللی در افغانستان با چه روبرو اند

پیامد های منفی جنگ افغانستان برای ایالات متحده امریکا

- ۱ - افغانستان از لحاظ فرهنگی یک کشور متحد است ولی از منظر سیاسی تاحال یک ملت کاملاً با هم متحد نیست.
- ۲ - چهل سال جنگ با یکونیم میلیون کشته، بالاتر از پنج میلیون مهاجر، تا حال در پاکستان و ایران مهاجر دارد
- ۳ - خسارات روانی؛ پیشبینی شده است که در هر پنج تن یک تن این ملت اثرات خسارت روانی را دیده است
- ۴ - مؤسسات مدنی و زیربنا ها بصورت مکمل از بین رفته اند
- ۵ - یک مقدار از افراط گرایی اسلامی، تروریسم بین المللی و فرهنگ مخدرات تا به حال موجود است.
- ۶ - جنگسالاران و کارتل های تجارت مواد مخدر تا حال موجود اند و تا کنون در برابر فساد مبارزه میشود
- ۷ - میزان بی کاری ۳۰ فیصد تخمین شده است
- ۸ - میزان بی سوادی بخصوص در بین دختران و زنان تا حال خیلی بلند است
- ۹ - فرهنگ محروم سازی حقوق زنان و سرکوب دختران و زنان دوام دارد.
- ۱۰ - سیستم عرضه خدمات صحی بی نهایت ضعیف توأم با کمبود پرسونل طبی و تسهیلات لازم، بجایش باقیمانده است
- ۱۱ - فقدان سیستم اتصالات کافی میان شهرها و دهات بوسیله سرک، خطوط ریل و کمبود ستیشن ها اینترنت کافی باز هم ایجاب کار فراوان را دارد
- ۱۲ - تا هنوز هم باید بر مدیریت ناکافی آب، خدمات صحی، شبکه برق و سائر ساحات ترمیمات زیربنایی فائق آمد.

دست آورد های مثبت در جریان دو دهه گذشته

- ۱ - سه بار حکومت منتخب و انتقال صلح آمیز قدرت، و به کمک یو. ایس. اید، ناتو و متحدین کار در ساحات باز سازی بنیاد های اجتماعی، اقتصاد بازار آزاد و نهاد های نظامی به سرعت ادامه دارد
- ۲ - اندیشوران و روشنفکران در سرتاسر کشور کمپاین ها و صحبت های را برای اتحاد ملت " ملت واحد تحت سایه خداوند" و بی طرفی افغانستان آغاز کرده اند

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

۳ - به اساس پیشبینی ها نفوس کشور در بین سالیان ۲۰۰۰ - ۲۰۲۰ از ۳۰ میلیون به چهل و چهار اعشاریه پنج میلیون افزایش یافته است

۴ - دیموگرافی : ۴۶ فیصد نفوس تحت سن ۱۵ و ۷۴ فیصد روستاها گرایش به نزول یا کم شدن دارند
۵ - حد اوسط عمر در میان کشور هاییکه بلند ترین رقم را دارد در آنوقت در افغانستان ۵۶ اعشاریه ۹ بود مگر در بین سالهای ۲۰۰۰ - ۲۰۰۵ به شصت و دو اعشاریه سه بهبود یافت و در بین سالیان ۲۰۱۰ - ۲۰۱۵ به شصت و چهار اعشاریه شش فیصد تحول یافت!

۶ - مواظبت صحی: میزان مرگ و میر اطفال در هر ۱۰۰۰ نوزاد از هفت اعشاریه هجده به چهار اعشاریه چهل و یک پائین آمده است. و این نشان میدهد که همه ساله حیات یکصد هزار ۱۰۰۰۰۰ کودک نوزاد نجات یافته است^۱

۷ - در سال ۲۰۰۱م دختران هیچ فرصت نداشتند که در مکاتب رسمی درس بخوانند، تنها یک میلیون اطفال ذکور شامل مکاتب بودند. بانک جهانی اظهار میدارد که تا سال ۲۰۱۲ م هفت اعشاریه هشت میلیون شاگرد بشمول دو اعشاریه ۹ میلیون دختر در مکاتب شامل اند

۸ - میزان فیصدی سطح سواد در بین کلان سالان بالاتر از ۱۵ سال از ۱۰ فیصد به ۳۹ فیصد افزایش یافته است
۹ - میزان فیصدی سواد زنان که کمتر از ۵ فیصد تخمین شده بود در سال ۲۰۱۰ به ۲۲ اعشاریه ۲ فیصد ارتقاء یافت

۱۰ - در زمان طالبان سال ۲۰۰۱م تمام زنان در خانه هایشان محبوس بودند، در سال ۲۰۱۲م متجاوز از یک ربع اعضای پارلمان و کارکنان دولت را زنان تشکیل میداد و سروی سال ۲۰۰۹م سازمان احصائیة مرکزی^۲ تخمین کرده است که تا به سال ۲۰۲۰ تعداد کارکنان زن در امور دولتی متجاوز از ۴۰ فیصد خواهد شد. همچنان اکنون زنان در نهاد های پولیس و اردو با تأسیس اکادیمی تربیت نظامی استخدام می شوند، این اکادیمی سالانه ۱۰۰ تن از افسران زن را آموزش می دهد.

۱۱ - هر چند خشونت علیه زنان تا حال موجود است ولی به نظر میرسد که شمار وقوع آن رو به کاهش نهاده است
۱۲ - در سال ۲۰۱۴م از مجموع نفوس ۳۱ اعشاریه ۳ میلیون، ۹ میلیون آن که ۲۸ فیصد مجموع نفوس را تشکیل میدهد زیر خط فقر قرار داشت حال آنکه در ۲۰۰۱م این رقم ۴۵ فیصد بود

۱۳ - انکشاف خیلی بزرگ در دسترسی به آب نوشیدنی بوقوع پیوسته است این رقم از ۴ اعشاریه ۸ فیصد به ۶۰ فیصد بلند رفته است؛ دسترسی به برق به ۳۰ فیصد بلند رفته است، و داشتن یک تشناب با فلش آب و یا مستراح عمومی ۳۷ فیصد بلند رفته است^۳

۱۴ - از زمان سقوط طالبان تا کنون تقریباً شش میلیون مهاجر به کشور عودت نموده اند. کمشنری عالی سازمان ملل برای مهاجرین تخمین کرده است که کمتر از دو میلیون شان تا حال نیاز به حمایت و کمک دارند

۱۵ - مطابق آمار اداره همدردی در زراعت جهانی^۴ ۷۸ اعشاریه شش فیصد نفوس در سکتور زراعت به کار گماشته است حال آنکه رقم بیکاری در سال ۲۰۰۸م ۳۵ فیصد تخمین شده بود

۱۶ - در سال ۲۰۰۸م دسترسی نسل جوان به انترنت پنج اعشاریه پنج فیصد بود ولی در سال ۲۰۱۲م ۱۸ میلیون تیلیفون های موبایل بوسیله مردم مورد استفاده قرار گرفت

۱۷ - در سال ۱۹۹۰م میزان مرگ و میر اطفال زیر سن پنج سالگی در هر ۱۰۰۰ طفل، ۱۷۶ اعشاریه ۲ بود ولی در بین سالیان ۲۰۰۵ - ۲۰۱۰، در هر ۱۰۰۰ طفل به ۹۸ اعشاریه ۵ فیصد کاهش کلی یافت

۱۸ - کمپاین واکسین امحای پولیو، سرخکان و چیچک ادامه دارد. بیماری وطن - گیر یا ایندیمیک ملاریا بطور ریشه ای کاهش یافته است

۱۹ - هر چند در سال ۲۰۰۱م اندازه گیری فیصدی رشد اقتصادی بصورت رسمی موجود نبود، ولی رشد رقمی اقتصاد در سال ۲۰۱۹م از کمتر از یک فیصد به ۲ اعشاریه پنج فیصد بلند رفته است. در سال ۲۰۱۸م عایدات دولتی به تازه ترین رقم آن ۱۹۰ بلیون افغانی با ۷ فیصد افزایش در مقایسه با سال ۲۰۱۷م بوده است. توقع می رود این رشد اقتصادی در سال ۲۰۲۰م به ۳ اعشاریه ۲ فیصد و در سال ۲۰۲۱م به ۳ اعشاریه ۵ فیصد بلند برود. حکومت موجوده سعی دارد تا فضای کار و بار و تجارت را بهتر سازد، امنیت داخلی و جلوگیری از فساد و نگذاشتن سؤ اداره منابع مالی کمیاب طی چندین ماه آینده بوقوع خواهد پیوست. بانک جهانی مشعر است، "جامعه جهانی هم می تواند با متعهد شدن به امنیت و یاری کمک ها و مُسلم ساختن این امر که کمک ها بصورت بنیادین و هم - راستا با پلانهای حکومت باشند، نقش حیاتی در نگهداشتن اطمینان و رشد اقتصادی ایفاء کرده می تواند".

*جدول یا ایندکس انکشاف بشری افغانستان

1 - The Atlantic, Oct. 10, 2013

2 - Central Statistics Organization (2009-CSO)

3 - World Bank, CIA World Factbook - CIAWF

4 - CIWF Compassion in World Farming (CIWF)

سال	ایندکس برش کمیت	حد اوسط عمر سال های متوقّعه تحصیلی ⁶	اوسط سال های تحصیلی ⁵	فیصدی عاید ناخالص ملی بر پایه سرانه
1990	0,290	50.3	1.5	2193
1995	۳۲۷,۰	53.4	1.9	1244
2000	0.245	55.8	2.2	817
2005	0.410	58.3	2.6	1198
2010	0.464	61.0	3.2	1675
2015	0.490	63.4	3.6	1783
2016	0.491	63.8	3.6	1766
2017	0.493	64.1	3.8	1767
2018	۴۹۶,۰	64.5	3.9	1746

* پروگرام انکشافی ملل متحد : گزارشهای انکشاف بشری؛ گزارش انکشاف بشری ۲۰۱۹ : رهنمود برای خوانند

جدول ۲

گزارش سال ۲۰۱۹ ملل متحد در بر گیرنده تمام ایندکس ها یا جداول مختلط از انکشاف خانواده تا ایندکس های انکشاف بشری می باشد. حدی کمتری که ماورای آن اجازه و یا امکان اقدام نیست عبارتند از : ایندکس انکشاف بشری کمتر از 0.550 برای انکشاف پائین بشری، 0.550-0.699 برای انکشاف بشری به حد وسط و -0.700-0799 برای انکشاف بشری به حد بلند⁷

علت مؤفقت یک ملت:

در اینجا می خواهیم توجه تانرا به آن نکاتی جلب نمایم که در آن شرط اولیة معیار برای نیل به بی طرفی دائمی افغانستان بود و صحبت خویشرا به اساس "بی طرف سازی دولت ها" باومگارتنر دوام دادیم⁸. مردم افغانستان باید دور هم جمع شوند و یک ملت مصمم و مستحکم شوند! تمام اقوام مسکون در ۳۴ ولایت افغانستان بشمول هر مجتمع قومی - عشیروی، هر گروه مذهبی و سائر اقلیت ها بصورت بلا استثناء باید همدیگر را درک و در آغوش گیرند. آنها باید بدور مفکوره "ملت - واحد - انقسام ناپذیر" و سبمول های ملی مملکت، به دور سرحدات تاریخی، زیر بیرق یگانه، به حکم فرهنگ مشترک، دین واحد، تاریخ مشترک و واحد، هنر و ادب مشترک، به دور قهرمانان مشترک و رسوم و عنعنات مشترک شان جمع شوند. آنها باید رسماً و علناً آشکار سازند که هویت واقعی شان "ملت واحد و انقسام ناپذیر افغانستان" است. آنها باید "به مثابه یک ملت با هم متحد باشند" و اگر "منقسم باشند پس بیاد داشته باشند که خود به یکی از بزرگترین تراژیدیهای تاریخ مبدل خواهند شد!"

چی چیزی یک ملت را می سازد:

⁵ - Mean Years of schooling : اوسط سالهای تحصیلی : حد اوسط سالهای مکمل شده تحصیلی نفوس یک کشور از ۲۵ سالگی و از آن به بالا است، به استثنای سالهای که شاگردان انفرادی که یک یا چند صنف را تکرار خوانده باشند (مترجم : تعریف یونسکو)

⁶ - Expected years of schooling : سالهای متوقّعه تحصیلی : تعداد سالهایست که طی آن از یک طفل ۲ ساله به اساس میزان مجموعی شمولیت در مکاتب در یک تاریخ تعیین شده توقع شود که در مکتب و تحصیل بگذرانند. این سالهای متوقّعه با رعایت سن و سالهای مختلف از ۲ ساله تا ۲۹ ساله منحیث مجموعه میزان شمولیت در مکتب محاسبه میشود. مثلاً میزان شمولیت ۸۰ فیصدی، موجب صفر اعشاریه هشت فیصد مدت زمان متوقّعه در تحصیل میشود. این مدت زمان متوقّعه تحصیلی از مدت زمان "حقیقی" فرق می کند و آن تنها و تنها زمانی فهمیده میشود که یک نسل بصورت مکمل بتواند تحصیل اش را تکمیل نماید. (مترجم : تعریف یونسکو)

⁷ - United Nations Development Program: Human Development Reports; Human Development Report 2019: Reader's Guide.

⁸ - Sherman, Goodman E. Neutrality of Switzerland. The Journal American Journal of International Law 12, No2 : 241; and Baumgartner. "Neutralization of States" 2012.

پاول جمیز در کتابش "شکل‌گیری ملت: بسوی تئوری جامعه انتزاعی" استدلال می‌کند که "ملت" و "نشنلیزم" دو مقوله کم - نظریه پردازی شده و سو تفاهیم‌ترین مفاهیم در جهان معاصر اند. وی در باب نشنلیزم و تئوری دولت‌های ملی، نظریات تاریخی و کلاسیک مارکس، انگلس، دُرخیم، و سائر تئوریهای معاصر را مرور می‌کند.⁹ این باید برای ما هوشدار باشد که هر چند دانشمندان علوم سیاسی محتملاً در جستجوی تئوری باشند تا به اثبات برسانند یک ملت چیست، مؤلف خود را منحیث یک ساینسدان ناگزیر به ذکر این نکته میداند که ساده‌سازی ساینسی همانطوریکه اینشتاین گفته است، "همه چیزها باید تا حد ممکن ساده ساخته شوند مگر نه ساده تر."¹⁰ این مقوله با میتود ساینسی بخصوص با فزیک نیوتن هم‌نوا و مشابه است. ولی ذکر کلمه "مگر" در مقوله اینشتاین به ما بوضوح می‌فهماند که ما نه باید هیچ یکی از اشیاء را بالاتر از امکانات فزیکی آن ساده‌سازی کنیم. گدامر Gadamer در کتاب خود «واقعیت و میتود»، مُصرانه استدلال میکند که «علوم اجتماعی» یعنی علوم سیاسی مانند میتودولوژی ساینسی عمل نه می‌کنند، پس، علوم بشری... فلسفه هنر و تاریخ... همه و همه چنان میتود‌های تجربوی اند که در آن واقعیت منتقل شده نوعی از واقعیتی است که نمی‌تواند بوسیله شیوه‌های میتودولوژیکی درست و حسابی به اثبات برسند.¹¹

مؤلف علاقمند است تا برداشت خود را از "ملت"، "نشنلیزم" و "ملت مؤفقیث یک ملت" چیست با شما در میان بگذارد و تعریف مصطلحاتی را تقدیم می‌کنم که در این جا روی آن بحث می‌کنیم.

ملت مجموعه از مردمانی اند (که الف) بروی یک کتله زمین با سرحدات مشخص که از لحاظ تاریخی، اجتماعی، سیاسی و یا جغرافیوی معین شده باشد زیست کنند. (ب) تاریخ مشترک، فرهنگ عمومی مشترک، اتکای متقابل اجتماعی-تجارتی - سیاسی و عنعنات مشترک داشته و یک سمبول مشترک مانند بیرق ملی ملت خود و یا علامت ملی و قهرمانان مشترک ملی و هویت فراتر از هویت فامیل، اجتماع و قوم و فرهنگ ولایتی داشته باشد. **ملت** متمایز از یک گروه مردم است، خیلی غامض است و اکثر اوقات در مقایسه با یک گروه قومی، بصورت واضح و آشکار سیاسی می‌باشد.

نشنلیزم: یک ایدیالوژی است که نمایانگر تعهد و وفاداری یک فرد نسبت به دولت ملی است که بر منافع گروه دیگر پیشی می‌گیرد. نشنلیزم نازی متکی بر برتری نژاد آریین توأم با نظریه (برتر از همه - ملت - دولت‌ها)¹² بود. در قرن هجدهم ظهور پرورسیا از میان کنفدراسیون جرمن، پروس را به مودل رسمی سائر ملت‌های اروپا میدل ساخت تا همراه با بهره برداری فزاینده از ثروت و توان بخشیدن به صیانت ذات یا حفظ جان، برخاسته از نظریات ماکیاولی¹³، و قدرت با جاه طلبی بی بند و بار را سرمشق قرار دهند.

دولت ملی: عبارت از ساختن یک ملت از یک نژاد مشخص و یا گروه قومی بوسیله یک یا چند کشور خارجی از هر طریق ممکنه و همه وسایل موجود بشمول نیرو و یا اجبار و قوه قهریه، بوسیله دکتورین اقتصادی، هم مانند سازی فرهنگی، ایدیالوژی سیاسی و یا اندیش - پایه مذهبی، منحیث یک پروسه خارجی. [ملت سازی منحیث یک پروسه بیرونی]¹⁴

دولت ملی: یک ملت ممکن متشکل از چندین گروه «اقوام و یا فرقه‌ها» از نژاد‌های مختلف بوسیله ساختار حاکم «حکومت» از طریق قوت و قدرت رهبرانی که نیروی حاکم نظامی دارند و منحیث یک پروسه داخلی ایجاد شود. [ملت پروری - یا- ملت سازی منحیث یک پروسه داخلی]¹⁵

مملکت: دلالت بر کتله ارضی می‌کند که مردم در آن امرار معیشت می‌کنند «سواحل، شبه جزیره، جزیره و یا محاط به خشکه». همچنان اکثراً دلالت بر دولت مستقل و یا سائر هستی‌های سیاسی «قلمروها» میکند

ملت سازی: دلالت بر انکشاف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با مؤسسات دفاع از حقوق بشر میکند و تأمین‌کننده تطبیق قانون است و نه تنها برای ایجاد صلح پس از جنگ بوسیله یک پروسه خارجی/ ملت سازی شایان اهمیت

⁹ - James, Paul. Nation Formation: Towards a Theory of Abstract Community: Sage Publications. U.S. p256.1996

¹⁰ - Einstein, Albert. Nobel Lectures 1901-1921. Albert Einstein's Biography: Amsterdam Elsevier Pub. Co. 1967.

¹¹ - Gadamer, Hans-Georg. Truth and Method: Continuum Pub. Group. Great Britain; 1975, 1989, This edition 2004.

¹² - Deutschland Uber Alles Doctrine

¹³ - à la Machiavelli

¹⁴ - Nation-Building as an external process

¹⁵ - Nation-Building as an internal process

است بلکه به ملت سازی در هر مرحله انکشاف و یا هر مرحله تصادمات جنگی در بین یک ملت منحصیث یک پروسه داخلی/ ملت پروری حائز اهمیت است.

دولت سازی: یک‌عده تیورین های علوم سیاسی باورمند اند که دولت سازی به اقدامی اطلاق میگردد که بوسیله کشور های خارجی به مقصد اعمار و یا اعمار مجدد مؤسسات دولت خیلی ضعیف، یا بعد از جنگ و یا دولت ناکام رویدست گرفته میشود. [16]، [17] شایان ذکر است که «ملت سازی Nation-Making» و «ملت پروری Nation-Building» نباید با هم مغالطه گردند زیرا بعضی از اهداف سازندگان یک ملت «ملت سازی منحصیث پروسه خارجی» از اهداف پرورشگران یک ملت «ملت پروری منحصیث یک پروسه داخلی» الهام می گیرند.

ملت سازی: می خواهیم توجه تانرا به یکتعداد نکات برجسته مربوط به بحث ما که در کتاب کلاسیک " رهنمای مبتدی برای ملت سازی"¹⁸ نوشته دابینز و دیگران ذکر اند معطوف سازم¹⁹. این کتاب سیاست های بازسازی برای یک ملت را در دوران بعد از جنگ یا در جریان جنگ تشریح میکند. این کتاب مبتنی بر مأموریت های ایالات متحده امریکا، اروپا، سازمان ملل متحد و سائر دول و یا سازمانهای است که طی شصت سال اخیر عملی کرده اند. موارد مهمی را که این کتاب شناسایی نموده عبارتند از، (۱) نظامی، (۲) سیاسی، (۳) تطبیق قانون، (۴) کمک های بشری، (۵) دولتداری، (۶) ثبات اقتصادی، (۷) دیموکراتیزه کردن و (۸) انکشاف. کتاب بر تکرر چنین مأموریت ها تکیه دارد، چنانچه سازمان ملل متحد طی سالهای جنگ سرد در هر چهار سال یکبار مأموریت حفظ صلح را براه انداخته است و ایالات متحده امریکا طی هر دهه یکبار چنین مأموریتی را رویدست گرفته است، ولی بعد از ختم جنگ سرد یا «بعد از جنگ سرد» مأموریتهای سازمان ملل متحد به هر ششماه یکبار افزایش یافته و از ایالات متحده امریکا یک مأموریت در هر دو سال بوقوع پیوسته است! همچنان کتاب به این نکته اشاره دارد که مأموریت ملت سازی یا «اختیار اشتراک در برابر تقسیم مجدد Co-Option» است یعنی کار با نیرو های موجوده اجتماعی و مراکز قدرت است که آنها را به رقابت جاری برای کسب قدرت و ثروت بخاطر دوری از تشدد، به چینل های صلح آمیز جهت می دهند طور مثال، سازمان ملل متحد در سانسولادور در سالهای ۱۹۹۰م؛ و یا هم کالبد شکافی کردن: یعنی اول ساختار موجوده دولتی را از هم باز کردن و اوراق اوراق ساختن و جای آنها به ساختار جدید دادن، و در این جریان یک عده عناصر مشخص جامعه را از قدرت بر انداختن و مقتدر ساختن دیگران، طور مثال: در سال ۱۹۴۰م اشغال جرمنی توسط امریکا و عراق در سال ۲۰۱۳م. ارزیابی مؤلف از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۷م آنست که این مأموریت ها بخاطری مأموریت های نسلی اند که پیچیدگی آن بعلت تکامل تدریجی آن ایجاب وقت زیاد را میکند. همین اکنون آنها به معیت چهل کشور دیگر علی الرغم تلفات جانی و گنج و سرمایه در افغانستان محتاطانه و امیدوارانه قانع اند²⁰.

در این اواخر اندریاس ویمر²¹ از پوهنتون کولمبیا مقاله نوشته معنون به «ملت سازی: چرا یک‌عده کشور با هم متحد می شوند و چرا عده دیگر از هم دور می شوند» که اختصار آن برای بحث کنونی ما لازمی به نظر میرسد. "اند ریاس ویمر آن عده از نیرو های کُند رو را بررسی کرده که ائتلافهای سیاسی را در گستره فرا قومی و ایجاد وحدت ملی تشویق و ترغیب میکند. تیوری ملت سازی ویمر متمرکز بر نیرو های کند رو است و به قول وی پروسه های نسلی اند چون که ایجاب: توسعه سازمان های جامعه مدنی، تجانس زبانی، و ظرفیت دولت ها بخاطر کالای اجتماعی را می نماید و خاطر نشان میسازد که تفاوت میان چین و روسیه دلالت بر آن می کند که چگونه فضای مشترک زبانی در تشکل ائتلاف های سیاسی فرا تر از سرحدات قومی می تواند ممد واقع شوند.

ویمر به اساس تحلیل احصائیوی معلومات به مقیاس بزرگ اظهار میدارد که این میکانیزم ها در جهان مؤثر اند و توضیح می دارد که ملت سازی بهتر از جدل های رقابتی مانند حکومت داری دیموکراتیک و یا مواریت استعماری است²². همچنان ویمر نشان می دهد که ائتلافات سیاسی راه میان بُر را از میان تقسیمات قومی می پیماید و زمانیکه اکثریت کتله های قومی در مقامهای بلند حکومت نماینده داشته باشند، عوام الناس هویت خود را در آئینه ملت و سمبول های آن می بیند و بدین ترتیب ریشه های وفاق ملی - سیاسی بمراتب بیشتر عمیقتر شده میرود. ویمر به پروسه های دراز مدت و کُند رو اهمیت می دهد، ولی در برابر پیامد های اداره، رهبری و پالیسی آن حساس است. برداشت عمده ایکه از آن بدست می آید آنست که هویت ملی تنها محصول هماهنگی قومی نه بلکه مشمول فرامی

16 - Ditto. Dobbins, James et al. 2007

17 - Wimmer, Andreas. Nation-Building: While Some Countries Come Together While Others Fall Apart.: Nation Building: Princeton University Press, Princeton & Oxford. ISBN 978-0-691-17738-0. 2018.

18 - The Beginner's Guide to Nation Building

19 - Ditto. Dobbins, James et al. 2007.

20 - Ditto. Dobbins, J. et al. The Beginner's Guide to Nation-Building

21 - Andreas Wimmer

22 - Wimmer, Andreas. Nation-Building: While Some Countries Come Together While Others Fall Apart.: Nation Building: Princeton University Press, Princeton & Oxford. ISBN 978-0-691-17738-0. 2018.

سرجمع کالای عامه است²³. طبق مجله (ای یون AEON) که یک سازمان خیریه راجستر شده است و متعهد به اشاعت علم و جهان بینی جهان - شهری است، می گوید که "ملت سازی به معنی دقیق کلمه فرا تر از آن است که محض منحصر به کشور مستقل با داشتن بیرق، سرود ملی و اردو باشد. یکتعداد از کشور های باستان «مانند بلجیم» تا حال متفقاً یک ملت نه شده اند حال آنکه دولتهای جدیدالتأسیس «مانند هندوستان» به این امر نایل آمده اند. سکه ملت سازی دو رو دارد: ۱) گسترش ائتلاف های سیاسی در پهنای ارضی یک کشور، و ۲) همخوانی با، و وفاداری به مؤسسات دولت، جدا اینکه اکنون چی کسی در قدرت است". در ملت سازی اولین نکته مهم آن بُعد اتحاد سیاسی است و دومین بُعد آن هویت سیاسی است. برای ترویج هر دو بُعد استحکام روابط سیاسی بین اتباع کشور و دولت باید فراتر از تقسیمات قومی رسیده بتواند. همچنان همه دانشمندان، نخبه گان سیاسی و افراد متوسط و سر انجام تمام اتباع کشور باید خود را بدون در نظر داشت نژاد یا قومیت شان، اعضای متساوی الحقوق جامعه در آئینه مجمع ملت ببینند.

اکثریت پالیسی سازان در ایالات متحده امریکا ملت سازی را معادل دیموکراتیزه کردن می شمارند. آنها حقاً به این باور اند که بهترین ابزار برای نیل به انسجام سیاسی، دیموکراسی است. به نظر میرسد که دیموکراسی لزوماً ملت سازی نمیکند بلکه ملت ها اند که ملت سازی میکنند، ملت هائیکه پیش از پیش ساخته شده اند دیر یا زود است که از همین نقطه به دیموکراسی گذار نمایند. یک بنیاد سیاسی ثابت و پایدار و زبانهای پذیرفته شده، پروسه ملت سازی را ساده تر می سازد. آنها می پذیرند که اگر شرایط محلی و یا داخلی مددگار و باعث شونده نباشند، ملت سازی از خارج، قریب به ناممکنات است²⁴.

مؤلف به نارسائی رویرو می شد اگر نکته جالب رهنمای مونوکول را اینجا اضافه نمی کرد: «یک ملت را چگونه باید ساخت: رهنمای مونوکول» و با این متن آغاز می گردد که «یک ملت را چگونه باید ساخت: مانیفست»²⁵. مؤلف در صفحه ۱۳ می افزاید که مفهوم «ملت» در سال ۱۶۴۸م در کنفرانس وست فلتلیا²⁶ ایجاد شد که نه تنها نظم نوین سیاسی را در اروپا ایجاد کرد بلکه شالوده قاعده را گذاشت که یک دولت نه باید در مسائل داخلی کشور دیگر مداخلت نماید.» مؤلف به دوام آن می افزاید که اینجا بود که موضوع دولت ملی آنچه که ما اکنون از آن نام بریم اساس گذاشته شد؛ یعنی یک ساحة مستقل با سرحدات رسماً شناخته شده بین المللی. این کتاب موضوع تعریف "ملت" را بر مبنای نژاد، دین، زبان و یا محل تولد میان تهی میسازد. نشنلیزم را با بومی گرایی یا سیاست رجحان بومیان بر مهاجرین، بجای تبسم و سخاوت و تعاون باهمی، با مشت و دروش مساوی می شمارد. این کتاب به صراحت خاطر نشان می سازد که بومی گرایی و خشونت اکثراً در زمان های بحرانهای اقتصادی و یا بحران های بشری "سرو کله زشت خود را بلند می کند" بخاطر حفظ منافع خود بالای مردم فشار وارد می کنند تا از جهان برآیند. "بهترین ملت ها همان ها اند که با همسایگان شان راحت و آسوده اند؛ در حقیقت بهترین ملت ها همان های اند که اتباع همسایگان شان بخواهند در کشور همسایه شان زیست نمایند.

باید به همه شاگردان علوم سیاسی بیافزایم که "رهنمود مونوکول" در قسمت موضوعات ذیل خیلی مفید است:

۱) چطور باید حکومت کرد، ۲) چطور باید یک دیپلمات بود، ۳) چطور می توان مصوون بود، ۴) چطور اقتصاد را بنا نمود، ۵) چطور امنیت را پایه گذاری کرد، ۶) چطور قدرت نرم را بکار برد، ۷) فرهنگ را چطور می توان ارتقاء داد، ۸) چطور می توان از سپورت ها استفاده نمود، ۹) چطور می توان نماد های ملی را تجلیل نمود، ۱۰) ایجاد هویت بصری ملت ها. [27]

ادامه دارد
فصل سوم

23 - Dani Rodrik, Harvard University

24 - Ditto. Dobbins, James et al. 2007.

25 - Brule, Tyler, et al. How to Make A Nation: A Monocle Guide: Die Gestalten Verlag Gmb H & Co; Published by Gestalten, Berlin. 2016.

26 - Westphalia Conference

27 - Ditto. Brule, Tyler. A Monocle Guide.